

در گفتگو با کاوه قریشی

متوقف کردن ولی فقیه به نفع جامعه است

گفتگو کاوه قریشی با مهرداد درویش پور، منصوره شجاعی و مهران براتی در باره انتخابات ریاست جمهوری

فعالین سیاسی و مدنی در مصاحبه با روز این گمانه زنی را که حاکمیت برای برون رفت از وضعیت فعلی از ریاست جمهوری علی اکبر هاشمی رفسنجانی حمایت کند، بعید می خوانند. مهران براتی، فعال سیاسی معتقدست «نظام بر ادامه روشی که تاکنون پیش گرفته مصمم است» و مهرداد درویش پور، استاد دانشگاه نیز بر این باورست که «هر نوع شکاف در حاکمیت، تحرک در فضای سیاسی و متوقف کردن پیشروی ولی فقیه، به سود جامعه است». منصوره شجاعی، فعال حقوق زنان نیز ضمن تاکید بر اهمیت «صندوق رای و مفهوم حق» می گوید «برای ارزیابی سناریوهای پیش رو در انتخابات باید منتظر برنامه ها و نحوه رویارویی نامزدها با مطالبات چهارسال گذشته و مطالبات جدید جامعه ماند».

برای رقابت در یازدهمین دور انتخابات ریاست جمهوری ایران که نزدیک به یک ماه دیگر برگزار می شود، چهره های مختلف جناح های سیاسی ثبت نام کرده اند. رای گیری روز ۲۴ خرداد ماه از این رو اهمیت دارد که اولین انتخابات پس از انتخابات مناقشه برانگیز سال ۸۸ است و در شرایطی برگزار می شود که کشور به لحاظ اقتصادی و سیاسی در عرصه سیاست داخلی و بین المللی در یکی از بحرانی ترین دوره های خود قرار دارد. در این مورد با مهران براتی، مهرداد درویش پور و منصوره شجاعی، فعالین سیاسی و مدنی گفت و گویی کرده ایم که در زیر می آید.

حاکمیت در تداوم روش خود مصمم است

مهران براتی در تحلیل احتمالات انتخابات پیشرو می گوید: «سناریوهای گوناگونی می توان متصور شد. اگر از دیدگاه حکومت نگاه کنیم آقای رفسنجانی بهترین گزینه بودند برای اینکه جلو فروپاشی این نظام را بگیرند. ایشان این امکان را از همه لحاظ دارند، ولی به نظر نمی رسد آقای خامنه ای تمایلش به سوی هاشمی باشد. او می خواهد به سیاست گذشته ادامه دهد.»

مهرداد درویش پور اما با اشاره به عروج آنچه او «بنیادگرایی

اسلامی در ایران" می‌خواند، می‌گوید: "این جریان با یک کودتای انتخاباتی تعرض مجدد خود را آغاز و تلاش کرد با اختناق بیشتر جامعه را در حوزه دانشگاه، حقوق مدنی و سایر حوزه‌ها به نوعی طالبانیزه کند. این جریان می‌خواهد جامعه مدنی را به گونه‌ای محو کند و اگر نتواند این کار را انجام دهد پست ریاست جمهوری را به نوعی بی ارزش و بی خاصیت خواهد کرد تا اقتدار مطلقه ولایت فقیه پابرجا بماند."

وی می‌افزاید: "اگر حتی یک عقلانیت پراگماتیستی راهنمای عمل حاکمیت بود، باید شرایطی فراهم می‌کرد که نیروهای پراگماتیست‌تری مانند هاشمی به میدان بیایند. اما به نظر می‌رسد، رویه‌ای که انتخاب کرده‌اند در واقع بریدن نفس جامعه است، به گونه‌ای که جریان‌های اصلاح طلب که هیچ، حتی پراگماتیست‌ها و جریان‌های ناسیونال اسلامی مانند مشایی هم تحمل نمی‌شوند."

اما اینک هاشمی رفسنجانی ثبت نام کرده. می‌ماند یا او را از میدان دور می‌کنند؟ مهران براتی معتقد است: "برای اینکه آقای هاشمی از میدان دور شود بهترین گزینه این بود که آقای مشایی می‌توانست در انتخابات شرکت کند. اما اکنون شرایطی پیش آمده که آقای احمدی نژاد به دلایل مختلف، بدون آقای مشایی هم احتمال گرفتن آرائی برای نامزدش را دارد."

او در توضیح این دلایل از جمله به حضور گروه‌هایی مانند بازنشستگان و کسانی که دریافت یارانه را مثبت می‌دانند اشاره می‌کند و همچنین تولید کنندگانی که از شرایط تحریم منتفع شده‌اند. او بر این باور است که این گروه‌ها ممکن است پشت سر احمدی نژاد قرار گیرند.

با این وجود چه سناریوهایی را می‌توان برای این انتخابات پیش بینی کرد؟ مهرداد درویش پور می‌گوید: "اگر مشایی رد صلاحیت شود، به نظر من تکررگرایی در جامعه شدت پیدا خواهد کرد. این شدت گرفتن حتی ممکن است به این منجر شود که مردم به رفسنجانی که نماد سرکوب، نماد حاکمیت و در واقع ذی نقش در بسیار از فجایعی است که جمهوری اسلامی به بار آورده، رای دهند تا بدین طریق جلو اقتدار ولی فقیه را بگیرند."

مهران براتی اما در مورد گمانه‌های قابل طرح در ارتباط با هاشمی رفسنجانی می‌گوید: "شانس او این است که با رای هواداران حکومت به عنوان رئیس جمهور انتخاب شود. چون اگر قرار باشد با رای امثال ما به حکومت برسد حتما در این بازی شانسی نخواهد داشت."

شانس او در این است که چنین نقشی پیدا کند، ولی حکومت حاضر نیست این نقش را به او بدهد. بنابراین می‌ماند بازی میان طرفداران احمدی نژاد و دیگر نامزدهای اصولگرایان مانند ائتلاف پیشرفت و آقای جلیلی.

مهرداد درویش پور با اشاره به تلاش حاکمیت برای ممانعت از حضور خاتمی که به گفته او "پیروزی‌اش قطعی بود" می‌گوید: "در دقیقه نود حضور مشای و هاشمی به نظر من یک مقدار معادله سیاسی در جامعه ایران را دستخوش تحول کرد. به این معنی که سناریوی پیشین که می‌خواستند به نوعی بی‌دردسر یک رئیس‌جمهوری را به جامعه تحمیل کنند، عملاً به عقب رانده شد."

درویش پور می‌افزاید: "اما هنوز هم اصولگرایان ممکن است با تقلب انتخاباتی و ترفندهایی که پیشتر به کار برده‌اند، تنور انتخابات را داغ و نماینده خودشان را تحمیل کنند. اما واقعیت این است که بن بست سیاسی جامعه ایران به گونه‌ای شده که هم مردم هم حکومت درنوعی گنجی به سر می‌برند؛ موقعیتی که به نظر من هیچکس نمی‌تواند خود را به سادگی بر دیگری تحمیل کند."

این استاد دانشگاه می‌افزاید: "فکر می‌کنم بسیاری از نیروهای رادیکال جامعه به آقای هاشمی رای نخواهند داد. در این تردید نیست. اما فکر می‌کنم در بین سه گروه شکاف قدرتمند صورت خواهد گرفت. یکی خود اصولگرایان هستند، جمعی از آنها به سمت برخورد معتدل‌تر با رفسنجانی خواهند رفت و سناریویی پراگماتیستی را دنبال می‌کنند ولی بخش دیگرشان هم حمله‌های شدید خواهند کرد. در میان اصلاح‌طلبان هم به نظرم شکافی ایجاد خواهد شد. اصلاح‌طلبان رادیکال تمایل چندانی ندارند که خود را با رفسنجانی تداعی کنند، اما اصلاح‌طلبان میانه رو این بلوک را ایجاد خواهند کرد. در نتیجه فکر می‌کنم بخش قابل توجهی از اصلاح‌طلبان پشت سر آقای رفسنجانی خواهند رفت و ائتلاف پراگماتیسم و اصلاح طلب را شکل خواهند داد."

مهران براتی هم می‌گوید: "فعلاً ما در مسابقه و میدان بازی گروه‌هایی قرار داریم که درون حکومت هستند. ما جزو شرط بندهای بیرون گود هستیم که حدس می‌زنیم در این بازی کدام یک برنده خواهد شد." درویش پور اما در تحلیل نهایی بر این باور است که: "هر گسترش شکاف در حاکمیت تحرک در فضای سیاسی و متوقف کردن پیشروی ولی فقیه به سود جامعه است؛ آن فرایندی که حکومت کار را به آنجا برساند که حمله نظامی صورت بگیرد و جامعه شیرازه‌اش از هم بپاشد. متوقف کردن این پروژه به خودی خود گامی است مثبت. باید از هر گونه عقب

نشینی حکومت استقبال کرد، گرچه جامعه نباید خواست های خود را به خواستهایی که آقای رفسنجانی و دیگر نمایندگان حاکمیت دارند، تقلیل بدهد."

البته هنوز همه گروه ها و فعالان اجتماعی به طور صریح ارزیابی خود را از احتمالات و سناریوهای پیش رو ارائه نداده اند. در همین ارتباط منصوره شجاعی، فعال زنان می گوید: "بحثی که الان داریم مفهوم حق و صندوق رای است. این نکته باید بررسی شود که از طریق رای دادن چقدر می توان به حقوق خود دست پیدا کرد؟ مثلاً جنبش زنان در انتخابات آینده از طریق صندوق رای به کدام یک از مطالبات خود می رسد؟ وقتی این نسبت تعریف شود، حضور زنان در انتخابات نیز می تواند تعریف شود."

او می افزاید: "با اتفاق هایی که افتاده و شرایط فعلی، باید منتظر برنامه نامزدها ماند. آیا این برنامه ها به مطالبات جریان های مختلف نزدیک است؟ ما هنوز چیزی ندیده ایم و در فضایی هستیم که مشخص نیست برنامه نامزدها به چه صورت خواهد بود."

به نظر این کنشگر اجتماعی "باید دید این انتخابات در چه شرایطی اتفاق می افتد و چقدر نگاه نامزدها به حقوق جامعه است و به اینکه تا چه حد جامعه را به سمت مطالبات دمکراتیکی که از چهار سال پیش تا به حال مطرح می کنند، پیش ببرند. به هر حال چهار سال پیش مردم با حضور در خیابان به نتایج یک انتخابات اعتراض کردند." به گفته خانم شجاعی "مطالباتی که آنزمان مطرح شد هنوز هم پا برجاست. باید دید برنامه هایی که ارائه می شوند چقدر ادامه آن مطالبات است و به چه میزان بر آنها افزوده شده. چون می دانیم مطالباتی مانند آزادی زندانیان سیاسی و رفع حصر هم بر مطالبات مردم انباشت شده است."

گفتگو امیر صفاریان با مهرداد درویش پور در باره انتخابات ریاست جمهوری در ایران

نظرتان در باره انتخابات در جمهوری اسلامی چیست؟

قانون اساسی جمهوری اسلامی و نهادهای غیر انتخابی آن که بر تئوکراسی استوار است، اساساً امکان یک انتخابات دمکراتیک و آزاد بر پایه موازین بین المللی حقوق بشر را سلب کرده است. از اینرو به عنوان فردی لائیک که اقتدار دینی را نظامی مبتنی بر تبعیض و

غیر دمکراتیک می دانم، تمایلی به شرکت در انتخاباتی که بیش از آن که چالشی علیه استبداد دینی باشد، برای آن مشروعیت زایی کند، ندارم. با این همه بر این باور نیستم تنها ماهیت نظام های موجود، تعیین کننده رفتار انتخاباتی است، بلکه سنجش سود و زیان سیاسی در ارزیابی از رفتار انتخاباتی مهم است. مبارزه سیاسی به انتخابات محدود نمی شود، اما انتخابات هم یکی از حوزه های مهم مبارزه سیاسی است. بنابراین اگر بفرض در یک نظام استبدادی شرکت در انتخابات بتواند بیش از مشروعیت زایی برای حکومت، گشایشی در فضای سیاسی جامعه ایجاد کند، باید به آن همچون حوزه ای از کارزار سیاسی نگریست. لازم نیست متخصص مسایل سیاسی و یا صاحب نظر بود تا این منطق فهمیده شود. مردم خود این منطق را در چند دوره معین در جمهوری اسلامی نشان داده اند. شرکت گسترده مردم در انتخابات ۲ خرداد ۱۳۷۶، انتخابات ۲۲ خرداد دوره دوم کاندیداتوری خاتمی، انتخابات مجلس ششم و بالاخره در انتخابات سال ۸۸، نشان گر منطق واقع گرایانه مردمی است که به محض آن که احساس کردند می توانند از فرصت سیاسی ایجاد شده به قصد گشایش فضای سیاسی در انتخابات با تمام نواقص و معایب آن استفاده کنند تردید نکردند.

آیا با همین منطق نباید به امید ایجاد گشایش در فضای سیاسی در انتخابات پیش رو نیز شرکت کرد؟

خیر! به گمانم پس از سرکوب جنبش سبز و تحولات تا کنونی پس از آن، جامعه وارد مرحله تازه ای شده است. رهبری نظام مایل نیست به هیچ وجه عقب نشینی بکند. مردم هم به خاطر اعتراض شان به نتایج دستکاری شده انتخابات، با سرکوب و تحقیر روبرو شدند و دیگر تمایل چندانی برای شرکت در انتخابات از خود نشان نمی دهند. نحوه برخورد حکومت با جنبش سبز نشان دهنده این بود که نظام روی کار آمدن دوباره اصلاح طلبان را تحمل نمی کند و مردم هم سخت مایوس و سرخورده شده اند. بدین معنی جامعه دیگر از این مرحله عبور کرده است و تکرار حوادثی نظیر انتخابات ۸۸ و جلب نظر دوباره مردمف ابداء کار ساده ای نیست. کودتای سال ۳۲ و پیامدهای بعدی آن تجربه تاریخی عبرت انگیزی است. شاه فکر کرد یک دهه پس از کودتا، مردم تحقیری را که با آن روبرو شده بودند فراموش کرده اند. اما با آن که انقلاب سفید شاهانه دستاوردهای مثبتی هم برای جامعه در بر داشت - جز جبهه ملی که با شعار اصلاحات آری، دیکتاتوری نه با آن دو گانه برخورد کرد - مردم تره ای هم برای آن خورد نکردند! به جای آن، به محض آن که در سال ۵۶ کوچکترین گشایشی در فضای سیاسی جامعه بر اثر فشار حقوق

بشری کارتر ایجاد شد، دیگر نه از تاک نشانی ماند و نه از تاکستان!

با توجه به شکاف گسترده ای که بین دولت و ملت در پی سرکوب جنبش سبز ایجاد شده است، به نظر مسئله شرکت گسترده مردم در انتخابات منتفی است. تنها اگر موسوی و کروبی مردم را به انتخابات فرا بخوانند، احتمال آن که شرکت در انتخابات گسترده تر شود وجود خواهد داشت. سکوت آنها و یا مخالفت تلویحی آنها باعث می شود بخش قابل توجهی از کسانی که به اصلاح طلبان رای دادند نیز در این انتخابات شرکت نکنند. یعنی اگر در جامعه احساس شود که اصلاح طلبان زرد و یا نیروهای پراگماتیست به قصد شرکت در انتخابات پیش رو، نماد های جنبش سبز را دور می زنند و به سمت سازش با حکومت گام برمیدارند، بخشهای رادیکال تر اصلاح طلب موضع خواهند گرفت و در انتخابات شرکت نخواهند کرد.

یعنی حتی اگر از حصر هم پیامی مبنی بر شرکت در انتخابات بیاید بنا بر اینکه برای مثال یک کاندیدای اصلاح طلب درجه دوم هم معرفی شود آیا به نظر شما باز هم مردم شرکت گسترده خواهند کرد؟

دو مولفه میتواند احتمال شرکت در انتخابات را افزایش دهد. یکی عقب نشینی حکومت است که هیچ نشانه جدی از آن در دست نیست. سران نظام در این زمینه واکنش های متفاوتی از خود نشان داده اند. گاه افرادی نظیر عسگر اولادی می آیند و میگویند: موسوی و کروبی جزو فتنه گران نیستند و یا اصلاح طلبان به شرکت در انتخابات تشویق میشوند و گاه گفته میشود ما به هیچ وجه با فتنه گران سر سازش نداریم و اصلاح طلبان میانه رو تر به برائت از "فتنه گران" فرا خوانده و حتی خاتمی نیز مفسد فی الارض خوانده می شود. بنا براین در عین حال آن که صدا های مختلفی در حکومت شنیده می شود، در حال بازی دادن اصلاح طلبان نیز هستند. در مورد رفسنجانی نیز یک روز بخشنامه می دهند ایشان را آیت الله رفسنجانی خطاب کنید. روز دیگر تهدید می شود که در صورت کاندیداتوری رسوایش خواهند کرد! اما این گونه بازی ها و زیگزاگها هیچ نشانه ای از عقب نشینی در بر ندارد.

عامل دیگر که می تواند وسوسه شرکت در انتخابات را گسترش دهد، امید مردم به ممکن بودن تغییر اوضاع در شرایط کنونی است که تا کنون هیچ نشانه ای از آن مشاهده نمی شود. موسوی و کروبی هم در موقعیتی هستند که دعوت شان از مردم برای شرکت در انتخابات هزینه سنگینی برای اعتبار آنها در بر خواهد داشت و تا کنون نشانه ای هم

از چنین تمایلی در کار نیست.

آیا حضور احمدی نژاد در انتخابات، ممکن است برخورد نظام به اصلاح طلبان را تعدیل کند؟

کمتر از دوماه به انتخابات مانده هنوز دقیقا نمیدانیم صحنه سیاست ایران در روز انتخابات چگونه رقم خواهد خورد. به گمانم ما با مثلث اصول گرایان، کاندیدای مورد حمایت احمدی نژاد و کاندیداتوری اصلاح طلبان زرد روبرو خواهیم شد. حکومت مایل است اصلاح طلبان برای عقب راندن احمدی نژاد و دمیدن در تنور انتخابات با ارائه کاندیدهای دست چندم در انتخابات حضور یابند. اما به شرطی که کوچکترین شانسی برای برد نیابند و با کارت بازنده بازی نکنند! به هررو یک نکته روشن است: شکاف در جامعه اصلاح طلب در حال رشد است. تعدادی از کاندیدهای اصلاح طلب زرد و یا دست چندم ابراز آمادگی کرده اند. همچنین در حالی که نیروهای اصلی اصلاح طلب رادیکال تر تا کنون تمایلی به شرکت در انتخابات نشان نداده اند، هم اکنون هم در داخل و هم در خارج از کشور، گروه هایی "کاتولیک تر از پاپ" با نامه نگاری های سرگشاده در وصف پیامدهای حضور خاتمی در انتخابات، از او دعوت کرده اند که بر تردیدهایش غلبه کند و برای نجات کشور و "اجرای بی خدشه قانون اساسی" قدم به میدان بگذارد. این در حالی است که او و خود تصویر واقع بین تری از اوضاع سیاسی کشور نسبت به این دست از مشوقان خود دارد. بهرو بخشی از جامعه اصلاح طلب در پی اجماع بر سر خاتمی هست. اما بخشهای رادیکال تر آن هنوز برای شرکت در انتخابات متقاعد نشده اند و نگاه بدبینانه تری به انتخابات پیش رو و شرایط آن دارند. با این همه ایران سرزمین شگفتی ها است و ممکن است با حوادث غافلگیرکننده ای نیز روبرو شویم.

نظر نیروهای جمهوری خواه در باره انتخابات چیست؟

در میان جامعه جمهوریخواه نیز این شکاف به چشم می خورد. بخش خیلی تصمیم گرفته اند از کاندیداتوری خاتمی که سهل است، حتی از کاندیداتوری رفسنجانی نیز حمایت کنند. گرچه بیشتر آنان بر سر خاتمی اجماع کرده اند. بخشی نیز نظیر خود من شرکت در انتخابات را ابدا صلاح نمیدانند. من شخصا تا زمانیکه با تغییر جدی در وضعیت کنونی روبرو نشویم، از تحریم انتخابات دفاع میکنم. هیچ نشانه ای هم از این "تغییر جدی" نمی بینم و برآنم نباید ملت را تشویق کرد که حتی با تمام این تحقیر ها بروند و در انتخابات شرکت کنند و آنها را به خواری واداشت. باید فشار آورد برای به عقب راندن

حکومت. یکی از این فشارها سازمان دادن کمپین برای آزادی چهره های نمادین جنبش سبز و دیگر زندانیان سیاسی است که بدون آن گشایشی در فضای سیاسی صورت نخواهد گرفت. اقدام دیگر، کمپین دفاع از انتخابات آزاد است که مهم است با تلاش مشترک دیگر نیروهای اپوزیسیون به گفتمان همگانی در جامعه بدل گردد.

نظر شما در مورد کمپین رفع حصر موسوی کروبی و زهرا رهنورد و اینکه این کمپین نتوانسته تاکنون به یک کمپین قدرتمند تبدیل شود چیست؟

کمپین برای آزادی موسوی و کروبی و زهرا رهنورد باید خیلی زودتر از این آغاز و به یک کمپین بین المللی تبدیل میشد. اگر یک بسیج بین المللی درخوری در این زمینه صورت میگرفت میتوانست در عقب راندن حکومت اسلامی موثر واقع شود. تجربه نشان داده است زمانی که روی آزادی اشخاص معینی زوم میشود امکان و کارایی بسیج افکار بین المللی بیشتر می شود. ما قبلا برای آزادی فرج سرکوهی، اکبر گنجی، ناصر زرافشان، دانشجویان دستگیر شده در ۱۸ تیر و زندانیان سیاسی فعال حقوق زنان و تعدادی از فعالان حقوق بشر و روزنامه نگاران در ایران کوشیده ایم که در پاره ای از موارد به آزادی فرد زندانی شده نیز منجر شده است. با توجه به نقش بسیار برجسته این ۳ نفر در جنبش سبز، کمپین برای آزادی آنها نیازمند تمرکز بیشتری است. البته آستانه انتخابات بهترین فرصت سیاسی برای گسترش این کمپین است.

اما در مورد چرایی این که مبارزه برای آزادی آنها حتی در آستانه انتخابات نتوانسته به یک کمپین قدرتمند و جدی تبدیل شود باید درنگ کرد. اصلاح طلبان در دفاع از خواست های نیروهای جمهوری خواه و سکولار جامعه تا دلتان بخواهد در تمام دوره حیات خود کوتاهی کرده اند. از این رو عجب هم نخواهد بود که این نیروها که عموما ساختار شکن هم هستند، به ویژه در خارج از کشور که حوزه اصلی نفوذ و فعالیت اشان است، چندان در سازماندهی و حمایت از چنین کارزاری بسیج نشوند.

ما برغم اختلاف نظر ها و تفاوت های فکری جدی که با گروه بندی اصلاح طلب جامعه داریم، در همسویی مان در دفاع از آزادی سیاسی نباید تردید کنیم. علاوه بر آن در زمینه مخالفت با تحریم های گسترده ، حمله نظامی و بدیل سازی توسط قدرت های خارجی، حمایت از تحول مسالمت آمیز در کشور و رعایت حقوق بشر و حفظ یکپارچگی و استقلال کشور می توانیم همسویی هایی داشته باشیم. فهم معنای رقابت سیاسی

سالم نیازمند گذار از فرهنگ خودی و غیر خودی که تنها به حکومت خلاصه نمی شود، نه تنها به گسترش رواداری در جامعه یاری خواهد رساند، بلکه اجازه می دهد آن جا که ضروری است کنار یکدیگر بایستیم و آنجا هم که نمی توانیم، برای پیشبرد پروژهای خود با یکدیگر رقابت سالم را سازمان دهی کنیم!

به نقل از روز